

The role of the revolutionary system in the statement of the second step of the revolution and its relationship with the determination of the macrostructure of the Mahdavi society

Mahmoud Keshavarz *

Received on: 27/01/2024

Accepted on: 22/07/2024

Abstract

The passage of four decades since the Islamic Revolution and moving forward strategically based on the principles and ideals of the revolution and passing through a very sensitive and ups and downs era requires pathology of past developments and opportunism of future events. The statement of the second step of the Islamic revolution, based on a pathological view of efficiency and based on temporal and spatial requirements, refers to the revision and localization of the driving components of the forward movement of the Islamic system.

The central sign of the revolution thought charter is the "revolutionary system" theory, which was formed based on the design of the model of the stages of self-improvement, socialization and civilization, and the leader of the supreme revolution ^(Madazala al-Aali) above all, the necessity of correcting the deviations of the revolution and getting closer to the lofty ideals. And it refers to the connection with the new Islamic civilization.

Purpose: By referring to the theory of the revolutionary system, the author is trying to explain and compare the principles and thoughts of the supreme leader of the revolution on the way to the modern Islamic civilization as a desirable approach to the macro structure of the Mahdist society. in this research; We seek to answer this question, what is the role of the revolutionary system in the statement of the second step of the revolution, and also what is its connection with determining the macrostructure of the Mahdavi society?

* Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Islamic Revolution & professor, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
saedarbipelak@yahoo.com

Methodology: The type of research is descriptive-analytical, and the library collection method was used to collect data, and the main source of analysis is the "Declaration of the Second Step of the Islamic Revolution".

Findings: Renovation and revision in a timely and continuous manner in order to increase efficiency and effective productivity, remove obstacles, clarify and establish intelligent workflow;

- Taking a close look at the structure and moving towards problem solving, agility, and designing and creating alternative plans alongside the approved plans;
- Compilation of scientific documents on the progress and development of the structure and creation of a working group or jihadi action committee;
- Implementing effective programs in order to reach a suitable structure; By grouping related activities and specialties, designing and developing a system for developing experts and researchers (Jihadist managers) along with empowering the structure;
- Reducing the size of executive structures, along with laying the groundwork to achieve the ideals of the Islamic Revolution;
- moving towards the software movement based on the vision document and the basis of establishing justice based on the principle of transparency in the structures of the Islamic Republic;
- adopting a realistic strategy and eliminating aristocracy and reducing the class gap;

Conclusion: Believing in the problem of waiting as an effective motivation to create mobility in the Shiite society; In order to deal with problems and obstacles, he not only has no fear and sadness, but also lays the groundwork for the movement of Imam Qaim (may Allah have mercy on him). From this platform, the revolutionary system with its indicators (people, thought, structure and jihadi management) can take a step towards meeting the needs of the Mahdavi society.

The supreme leadership of the revolution considered the formation of a government of Islamic values and the formation of a new Islamic civilization as an obligatory prelude that requires necessary preparations. The influence on the mentality of the people, along with the divine tradition, in the way of establishing their own justice, is a prelude to the formation of the new Islamic civilization, and this important (subliminal) also has a role in the grand path of the Mahdavi society, and in this way, it should play an important role. The four aspects of the revolutionary system should be considered important and he should take a step on the way to its elevation.

Keywords: statement of the second step, revolutionary system, modern Islamic civilization, macro Mahdavi society, Mahdism.

نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب و ارتباط آن با

تعیین ساختار کلان جامعه مهدوی

محمود کشاورز*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

چکیده

گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و حرکت روبه‌جلو بر اساس مبانی و آرمان‌های انقلاب و عبور از دوران حساس، نیازمند آسیب‌شناسی تحولات گذشته و فرصت‌شناسی اتفاقات آینده است. بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس نگاه آسیب‌شناسانه به کارآمدی و مبتنی بر اقتضانات زمانی و مکانی به بازنگری و بومی‌سازی پیشبرنده مؤلفه‌های حرکت روبه‌جلوی نظام اسلامی اشاره دارد. دال مرکزی منشور اندیشه انقلاب، نظریه «نظام انقلابی» است که بر مبنای طراحی مدل مراحل خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شکل گرفته و رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) بیش از هر چیز به لزوم اصلاح انحرافات انقلاب و نزدیکی به آرمان‌های متعالی و اتصال به تمدن نوین اسلامی اشاره دارد. نگارنده در تلاش است با اشاره به نظریه نظام انقلابی به تبیین و تحلیل تطبیقی اصول و اندیشه‌های رهبر انقلاب در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مطلوب رویکردی ساختار کلان جامعه مهدویت پردازد. در این پژوهش؛ به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب چیست و همچنین ارتباط آن با تعیین ساختار کلان جامعه مهدوی کدام است؟ در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است و احصاء داده‌ها بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای شکل گرفته و اصلی‌ترین منبع مورد تحلیل «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» است. یافته‌ها حاکی از آن است که با اجرای برنامه‌های اثربخش و تغییرات ساختاری و اتخاذ راهبرد واقع‌گرایانه در کنار بسترسازی آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌توان به سمت جنبش نرم‌افزاری پیش‌رفت.

کلمات کلیدی: بیانیه گام دوم، نظام انقلابی، تمدن نوین اسلامی، کلان جامعه مهدوی، مهدویت.

* استادیار رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی و مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

(نویسندهٔ مسئول).

0000-0001-9672-2224

saedarbipelak@yahoo.com



بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان تنها انقلاب دینی در بین انقلاب‌های بزرگ جهان، باعث تزلزل در نظریات مختلف فکری و سیاسی گردید. نظم جدید شکل گرفته و به‌تبع آن تغییرات بنیادین ایجاد شده بر مبنای آموزه‌های بلند شیعی باعث ایجاد بالندگی در انقلاب اسلامی شده و نقش تحول‌آفرینی تاریخ‌ساز را برای انقلاب به ارمغان آورده است. به تعبیر برخی «اسلام شیعی اولین منبع برای تجهیز و چهارچوب بنیادین انقلاب است و آن را می‌توان یکی از چند شکل و صورتی دانست که انقلاب ایران را از فرم معمول انقلاب‌های زمان ما خارج ساخته است. شیعه بودن این انقلاب و نیز رهبری آیت‌الله {امام} خمینی^(ره) توانست حداکثر افراد را نسبت به تعداد کمی از شعارهای عمومی همچون استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی متفق‌الرای نماید». (عنایت، ۱۳۷۱، ص ۴) به‌خودی‌خود با توجه به ماهیت دینی انقلاب، یکی از حیطه‌های مهم در این مسئله که شروع‌کننده اهداف و مبنای برنامه‌ریزی معطوف به آینده بر اساس مقتضیات است، آموزه مهدویت می‌باشد.

نگاه پدیده‌ای و نگاه پروژه‌ای به مسئله ظهور

نگاه به مهدویت با توجه به آموزه‌های پیش رو منبعث از دو کلان دیدگاه است که پیش از انقلاب اسلامی به صورت تک‌بعدی به آن پرداخته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۱). دیدگاه اول: نگاه پدیده‌ای به مسئله ظهور که با استناد به‌ظاهر برخی از روایات این باب (اربعی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۷۷) تلقی بشریت را به تماشگری و نه مسئولیت‌پذیری محدود کرده، هرچند این دیدگاه با ظاهر آیات قرآن نیز مخالفت دارد و خداوند متعال هیچ‌گاه بشر را بی‌توجه نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی خود خلق نکرده، غایت این نگاه وجود اسرائیلیات در زندگی اجتماعی بشر و همچنین افراد دارای این تفکر در ساختارهای حکومت اسلامی است.

نگاه دوم به مسئله ظهور، نگاه پروژه‌ای به این مسئله است که در طول طراحی کلان پروژه نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله علیه و آله) جای گرفته (توبه / ۳۳) و صدالبته می‌توان برنامه همه انبیاء الهی را از ابتدای خلقت آدم تا ظهور حضرت حجت (عج الله تعالی) در امتداد این نگاه دانست.

نکته‌ی حائز اهمیت در این کلان پروژه، سهیم بودن و نقش داشتن همه بشریت در طول این پروژه است. مشارکت در بخش‌های مختلف این پروژه منتج به تحقق اهداف و دستیابی به آرمان‌ها در این مسیر است. رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) می‌فرماید:

«حضرت مهدی (عج الله تعالی) در یک زمینه‌ی مساعد و مناسب ظهور خواهد کرد، نه در یک زمینه نامساعد، حکومت حضرت مهدی یک حکومت صد در صد است، ده درصد و بیست درصد و سی درصد و پنجاه درصد و نود درصد بایستی به وجود بیاید تا برسد به صد در صد» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

برداشت حاصله، سوق دادن جامعه به سمت مشارکت و نقش‌آفرینی در تحقق اهداف و آرمان‌های جامعه متعالی مهدویت و تأثیرگذاری بر افراد در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است.

حال با این وجود، بازسازی نگاه پروژه‌ای و جاری‌سازی این تفکر در عرصه‌های مختلف با ابتناء بر مبانی شیعی، باعث به وجود آمدن نگرشی جدید به صورت مبتکرانه نسبت به مقولات دینی ارائه‌شده در ساختار تمدنی - اندیشه‌ای گردیده که حاصل آن، به وجود آمدن اندیشه‌های مترقی در باب تمدن اسلامی و روند پُرشتاب حرکتی آن است؛ برآیند این مهم به صورت موردی در بیانیه گام دوم و حرکت روبه‌جلوی در انقلاب اسلامی تحت عنوان «نظریه نظام انقلابی» بیان گردیده - است. ارتباط شکل‌گرفته بین عناصر این نظریه در ساختار تمدنی جامعه اسلامی (جامعه مهدویت) باعث به وجود آمدن الگویی مشخص و چشم‌اندازی برای تمدن نوین اسلامی بوده که با معیار قراردادن آن می‌توان در افق زمانی مشخص به جامعه آرمانی دست‌یافت.

بهره‌گیری از ظرفیت نخبگانی مبتنی بر آموزه مهدویت و ایجاد سازوکار متناسب باعث پیشی - گرفتن پیمایش این مسیر به صورت واقع‌گرایانه با آینده‌ای روشن و پرفروغ در مقابل استیلاءجویی تمدن غرب می‌گردد.

بر طبق این مسئله، هدف از پژوهش؛ بیان نقش نظریه نظام انقلابی در بیانیه گام دوم و ارتباط آن با تعیین ساختار کلان جامعه مهدوی است. البته این تأویل جز با تبیین و تحلیل تطبیقی، اصول و اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مطلوب رویکردی ساختار کلان جامعه مهدویت میسر نمی‌شود.

فرضیه‌ای که می‌توان برای این نوشتار در نظر گرفت بدین صورت است که نظام انقلابی مبتنی بر چهارعنصر (تفکر، مردم، ساختار و مدیریت جهادی) توانایی پاسخ‌گویی به نیازها و اهداف دولت اسلامی در راه تحقق به کلان جامعه مهدوی را داراست.

در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب چیست و همچنین ارتباط آن با تعیین ساختار کلان جامعه مهدوی کدام است؟

و برای پاسخ‌گویی به این پرسش نیازمند سؤالات فرعی دیگری نیز هستیم از آن جمله:

- ویژگی‌های اصلی تمدن نوین اسلامی کدام است؟
- شاخص‌های نظریه نظام انقلابی چیست؟
- نقش و جایگاه ساختار در نظریه انقلاب اسلامی به چه صورت است؟

۱. پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و کاربردی بودن بحث در دو سطح قابل ارزیابی است:

۱-۱. پژوهش‌های مشابه پژوهش حاضر؛ یعنی پژوهش‌هایی که پیرامون مباحث مربوط به گام دوم انقلاب، نظریه نظام انقلابی و مباحث مرتبط با نگاه تمدن اسلامی و... می‌پردازد.

۲-۱. پژوهش‌هایی که پیرامون «مهدویت و ارتقای جامعه و دولت» اشاره نموده است.

با توجه به موارد فوق و تحقیقات صورت گرفته در سطح اول و دوم حاکی از شماری از مقالات با موضوعات خاص هم‌راستا با عنوان فوق می‌باشد.

مقاله «نقش و جایگاه آموزه مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم با تأکید بر آموزه عدالت» نوشته رضا کفیلی و غلامرضا بهروزی لک، که ضمن اشاره به بیانیه گام دوم و اهداف متعالی آن در زمینه خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی به آموزه عدالت مهدوی و جایگاه آن در بیانیه گام دوم پرداخته است.

مقاله «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی با نگاهی به مقوله تحزب» نوشته محمدرضا مجیدی و یونس سبزی کریم‌آبادی که با بیان یک سازوکار الگویی

برای پر نمودن خلأهای بین حاکمیت و مردم پرداخته است.

مقاله «تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت‌ساز در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی» که توسط عبدالهادی صالحی‌زاده و ابراهیم عباس‌پور به رشته تحریر درآمده نیز به بحث دولت‌سازی در تمدن اسلامی می‌پردازد که باتوجه به نگاه این پژوهش که نظام انقلابی را در بستر بیانیه گام دوم مطرح می‌کند دارای قرابت معنایی در برخی مؤلفه‌های دولت‌سازی (ساختار در نظریه نظام انقلابی) است.

سطح دوم پژوهش‌ها، آثاری است که به بحث «مهدویت و ارتقای سطح جامعه و دولت» پرداخته‌اند. در این سطح می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

مقاله «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT» است که توسط محسن پورسیدآقایی به رشته تحریر درآمده و به بررسی برخی از راهبردهای فرهنگی و نفوذ مستقیم و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر حوزه تشخیص، تصمیم و اقدام بر اساس نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌ها اشاره دارد.

یکی دیگر از پژوهش‌ها با عنوان «همبستگی اجتماعی مهدوی، الگویی برای دولت و جامعه زمینه‌ساز» است که توسط شمس الله مریجی و اسماعیل چراغی به رشته تحریر درآمده و اشاره به وجود راهکارهایی برای ساخت دولت و جامعه از قبیل توسعه عدالت همه‌جانبه، توسعه‌مهرورزی، ارتقای سطح فکری و فرهنگی جامعه و... اشاراتی دارد.

از جمله مقالات می‌توان به «شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز ظهور» محمدمهدی حائری‌پور اشاره نمود که به شاخص‌های عدالت‌خواهی، عدالت‌محوری، بصیرت، روشن‌بینی و تسلیم در برابر خداوند متعال به‌عنوان شاخص‌های فرهنگی توجه دارد.

مقالات فوق به‌صورت موضوعی نسبت به آموزه‌هایی که به‌عنوان شاخص‌های دولت مهدوی است اشاراتی دارند؛ هرچند ممکن است شاخص‌های ذکرشده در مقالات در راستای عناصر نظریه نظام انقلابی باشد. اما از منظر پرداختن به هدف این نوشتار که بیان و تشریح عناصر نظریه نظام انقلابی و نسبت پاسخ‌گویی این عناصر با توجه به نیازها و اهداف دولت اسلامی است، هیچ سخنی به میان نیامده است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش کیفی با رویکرد توصیفی- تحلیلی است و به دنبال تبیین جایگاه نظام انقلابی ذیل نظریه گام دوم انقلاب و همچنین ارتباط شکل گرفته با تعیین ساختار تمدنی است.

در تحقیقات توصیفی، محقق به دنبال «بیان» و «چگونه بودن» موضوع است که شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه واقع می‌شود، تحقیقات توصیفی هم جنبه‌ی کاربردی دارند هم جنبه‌ی مبنایی که در بُعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود.

روش مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها نیز ترکیبی از روش اسنادی- کتابخانه‌ای است. روش اسنادی، روشی کیفی است که پژوهشگر با مطالعه نظام‌مند از متون، به کشف، استخراج و ارزیابی مطالب مرتبط با پژوهش خود می‌پردازد. از امتیازات و ویژگی‌های روش اسنادی می‌توان به بُعد سهل و آسان بودن، کاربردی بودن آن، استفاده از آن در بخش چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق نام برد.

۳. چهارچوب مفهومی و شرح مفاهیم پژوهش

چهارچوب مفهومی پژوهش بر مبنای دو بیانیه‌ای است که از سوی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) صادر شده است.

مکتب انقلاب اسلامی: که در مورخ دوازدهم آذرماه یک هزار و سیصد و هفتادونه بیان گردیده و به مبنای اهداف و پیش‌نیازهای مکتب اشاره دارد و برخی آن را به‌عنوان گام اول انقلاب به شمار می‌آورند (اندیشکده زمانه، ۱۳۹۷). و در آنجا به نقشه راه فرآیند تحقق اهداف اسلامی در پنج مرحله اشاره دارند، مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

بیانیه گام دوم انقلاب: که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر گردیده و به جهت استمرار مسیر انقلاب به مقایسه، آسیب‌شناسی، تبیین دستاوردها، چالش‌های پیش رو و

برنامه‌های متعالی با هدف ساخت آینده‌ای درخشان بر مبنای اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی اشاره شده است. عمده مخاطب این بیانیه جوانان هستند و در هفت حوزه علم و پژوهش، اخلاق و معنویت، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی، سبک زندگی به بیان برنامه‌ها در سطح راهبردی پرداختی صورت پذیرفته است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۳-۱. انقلاب اسلامی: واژه انقلاب یکی از اصطلاحات رایج علوم سیاسی است که برحسب لغت «پشت‌ورو شدن، دگرشدن» معنا می‌دهد (اداره پژوهش سیما، ۱۳۸۶، ص ۳۶۱) و در اصطلاح عبارت است از «تحول سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۳۱) اما در بیان مفهوم انقلاب اسلامی می‌توان گفت که: «انقلاب اسلامی حاصل دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی، منطبق بر جهان‌بینی، موازین و ارزش‌های اسلامی و بر اساس خواست و اراده مردم است» (عمید زنجانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴) و به تعبیر دیگر، انقلاب اسلامی، انقلابی است که به منظور حاکم نمودن ارزش‌های اسلامی بر جامعه انجام می‌گیرد؛ از این‌رو «اسلامی بودن»، ویژگی بنیادی آن محسوب می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمودند:

«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام... جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است.» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۸)

۳-۲. کلان جامعه مهدوی بر مبنای آموزه: آموزه به مجموعه‌ای از ایده‌ها و دیدگاه‌ها گفته می‌شود که اگر در موضوع خاصی مطرح شود، به اسم آن موضوع استفاده می‌شود. و به معنای «اصول عقاید، نظریه و دکترین نیز آمده است» (انوری، ۱۳۸۲، ص ۶۱). بنا به تعریف مذکور، آموزه‌های مهدوی به معنای مجموعه ایده‌ها، معارف و مسائل پیرامون حضرت مهدی (عج)، به‌عنوان دوازدهمین امام و حجت پروردگار بر روی زمین است. آموزه مهدویت «فرارسیدن عصری موعود را بشارت می‌دهد که گشایش و پیروزی مؤمنان بر کافران و مشرکان در آن رقم خواهد

خورد». این آموزه بسیار گسترده است به طوری که «در نگرش اسلامی به منزله یک نظام فکری - عملی مطرح است» (بهروزی لک، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

۳-۳. **تمدن نوین اسلامی:** تمدن نیز همانند دیگر مفاهیم حوزه علوم انسانی، مفهومی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد، اما اتفاق نظر در اصالت معنایی شهرنشینی و مُدُن دارد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۹). به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد». (جعفری، ج ۶، ۱۳۷۳، ص ۲۳۳) در اندیشه امام ^(ره) نیز مفهوم تمدن در کنار مفهوم فرهنگ قرار گرفته است (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

متفکران اسلامی «تمدن را متشکل از مجموعه‌ای نظام اجتماعی همچون نظام اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و همین‌طور سیاسی می‌دانند و معتقدند اساساً همین نظام‌ها هستند که تمامیت یک تمدن را شکل می‌دهند. این دیدگاه در منظومه فکری مقام معظم رهبری نظر غالب است» (ره‌دار و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

«تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد» (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳) «تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است» (جان احمدی، ۱۳۸۸، صص ۵۲-۵۱).

بنابر فرمایشات رهبر معظم انقلاب، در بیان تمدن اسلامی، ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود.

«اگر این کشور توانست در میدان‌های تحرک و پیشرفت مادی به موفقیت‌هایی دست پیدا کند؛ اگر توانست علم و فناوری و صنعت پیدا کند؛ اگر توانست یک سیاست بین‌المللی و

یک دیپلماسی قوی پیدا کند؛ اگر توانست اقتصاد جامعه را سروسامان دهد؛ اگر توانست از منابع عظیم ثروت در زیرزمین و روی زمین، اعم از معدن و کشاورزی و امثال این‌ها استفاده کند؛ اگر توانست از سرزمین وسیع و متنوع ایران و موقعیت مهم سوق‌الجیشی آن استفاده کند و خلاصه، اگر توانست با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند، این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته‌ی فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید؛ این در تاریخ کم‌سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده‌ی به‌شدت هشداردهنده است. اگر در این مجموعه، شما نقش روحانیت را برجسته کردید، ببینید چقدر به این مدنیت خدمت کرده‌اید» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

در یک جمع‌بندی ذیل بحث تمدن اسلامی می‌توان به مسائل زیر اشاره نمود:

- بنا و شالوده تمدن اسلامی بر مبنای قرآن توسط پیامبر (ص) شکل یافته است.
 - همه ابعاد مادی و معنوی در همه زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود.
 - پویایی بر مبنای اخلاق دینی به‌عنوان دال مرکزی آن است.
- به‌طورکلی، مراد از تمدن اسلامی، کل دستاوردهای اسلامی و مسلمانان در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات از عصر پیامبر (ص) تاکنون است.

ویژگی‌های اصلی تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که بر مبنای دین مبین اسلام و حق شکل‌گرفته است و اگر حقیقت اسلام از این تمدن جدا شود چیزی از آن باقی نمی‌ماند، رکن اصیل این تمدن عدالت‌محوری است که مبنای حرکت بر مسیر عدالت بر پایه ظلم‌ستیزی شکل‌گرفته و به‌عنوان یک ستون مستحکم در تمدن نوین اسلامی است.

این تمدن بر مبنای امام‌محوری شکل‌گرفته است. یعنی در چنین تمدنی، در ابتدا امام معصوم (ع) و در غیاب امام معصوم (ع)، ولی فقیه طریقت و راه رسیدن به مطلوب را عهده‌دار است و چه بسا تحقق عدالت و بسط شریعت بر عهده امام و نائب آن است. مبنای دیگر تمدن نوین اسلامی،

آزادی است یعنی تعمیق آن مبارزه با استبداد و خودکامگی و البته مردم‌نهاد است و بر پایه مردم شکل گرفته نه حکومت‌ها.

دولت‌ها نیز در شکل‌گیری حکومت نقش مهمی دارند ولیکن در تمدن نوین اسلامی، فراتر از نخبگان، آحاد مردم از نقشی هوشمند برخوردارند. تمدن نوین اسلامی، علم گراست. چه علم به معنای معرفت، چه علم به معنای دانش و رفع ابهام (Science) و فرایندی و تدریجی است و نه پروژه‌ای و دفعتی، خلاقیت و نوآوری یکی از ویژگی‌های این تمدن است، منظور از نوآوری: در ادبیات، در روش، در ابزار، در فناوری و... و فقر ستیز است، به این معنا که در صدد ریشه‌کنی فقر و تنگدستی در سطح اجتماع است و نباید از این نکته نیز غافل شد که مواجهه فعال در این زمینه مواجهه پیشگیرانه است نه مواجهه درمانی؛ تعالی‌خواه است، یعنی کمال‌جوست و کمال بشر را در اعتلای حقیقت و روح انسان جستجو می‌کند و انسان‌ساز است، بدین معنا که در این تمدن جوهر وجودی انسان باید شکوفا شود. این خود در تعارض با جریان مسخ‌شده انسان در تمدن غربی است که تعارض وجودی دارد. پس در این تمدن به دنبال رشد استعداد و پرورش افراد متعالی هستیم و اگر بگوییم هدف اصلی تمدن نوین اسلامی همین است، سخن غیر دقیقی نگفته‌ایم. جهانی است، و عامل این گسترش، نه زور است و نه اقتصاد، بلکه عقل فطری و جذابیت‌های منحصر به فرد اسلام است و آرامش‌بخش است؛ یعنی به دنبال کاهش آلام بشری است و در این مسیر از صلح پایدار بهره می‌برد (غلامی، ۱۳۹۶/۰۵/۰۳).

۳-۴. نظام انقلابی: باتوجه به اشاره رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب پیرامون انقلابی‌گری و موفقیت‌های حاصله در چهل سال ابتدایی انقلاب و دفاع ابدی از این نظریه به نظر می‌رسد، مهم‌ترین مفهوم مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب «نظریه نظام انقلابی» است.

در توضیح باید گفت که خطوط کلی عمل انقلابی در نظریه ترسیم‌شده که در واقع بر مبنای الزامات، نیازهای انقلاب، راه‌حل‌های عملی برای تداوم انقلاب و حفظ سیرت و صورت در تحولات محیطی است و در توضیح ابهام حاصل‌شده از تناقض نظام و انقلاب نیز باید اشاره نمود که: انقلاب و انقلابی‌گری تمام‌شدنی و تاریخی نیست و نظام سیاسی برآمده از انقلاب اگر به ثبات برسد یعنی گرفتار ارتجاع شده است. پس در تعریف این بحث باید از موارد کلیشه‌ای پا را فراتر نهاد و در اینجا نظام اشاره به ساختار و انقلاب اشاره به آرمان دارد یعنی در معنا:

نظام انقلابی، نظامی است که کارویژه خود را تحقق آرمان‌های انقلاب می‌داند از این رو در این گونه نظام، میان جوشش انقلابی و تحول خواهی انقلابی یا استقرار و ثبات ساختاری و سازمانی جمع صورت گرفته و البته این به معنای پذیرش منطقی ایستایی و رکود ساختاری نیست بلکه با مبنا قراردادن آرمان‌های انقلاب برای تحول ساختاری نیز تلاش می‌شود (امینی و ممبینی، ۱۴۰۰، ص ۳۰). به همین جهت نظریه نظام انقلابی به عنوان واسطه بین انقلابی‌گری و اصلاح‌گری قرار گرفته که دائماً بین این دو در رفت و آمد است. انقلابی است به دلیل اعتقاد راسخ به تحول دائمی داشتن و اصلاحی است به دلیل اعتقاد به تدریجی بودن اصلاح‌گری ساختارهای موجود و بسط این اصلاح‌گری به تحول خواهی و نه طرد آن.

و البته در این مسیر نه تنها رویکرد مورد نظر سلبی نیست بلکه چه بسا در مقابل با رویکرد محافظه کارانه نیز قرار گرفته و نظم و نظام کنونی را بی نقص نمی‌داند و البته معتقد است در همین بستر کنونی باید تحول صورت پذیرد.

پس به عنوان نتیجه این سخن را می‌توان گفت که این نظریه جمع میان انقلابی بودن و ساختارگرا بودن است. یعنی علاوه بر تحول دائمی تا رسیدن به اهداف مدنظر در چهارچوب آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول انقلاب ساختارگرا نیز هست چون لازمه تحول و تحقق آرمان‌ها، بستر ساختارمند و وجود ساختارهای موجود است.

«در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند این‌ها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. بنابراین انقلاب تمام نمی‌شود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی‌شود. یک صیوررتی وجود دارد؛ صیوررت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک صیوررت دائمی‌ای وجود دارد که این صیوررت دائمی، به تدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا را، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

شاخص‌های چهارگانه نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی بر اساس «نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه رهبری» دارای مبانی مشخصی است (سیلانی، ۱۳۹۵، ص ۳۲) که با توجه به توزیع شاخص‌ها، به چهار دسته‌ی کلی تقسیم می‌گردد (ابراهیمی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲). البته ممکن است شاخص‌های دیگری نیز بتوان برای این نظریه بیان نمود (حسین زاده و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۶۸) که به‌طور مختصر به تشریح چهار شاخص اصلی می‌پردازیم:

الف) حوزه فکری

انقلاب اسلامی فراتر از یک دولت و ساختار سیاسی است؛ این انقلاب مکتب‌گفتمانی عمیق و دارای مبانی فکری بسیار قوی است و مثل یک دولت نیست که با عوض شدن آن، چهارچوب اعتقادی‌اش تغییر کند. اساس و مبنای نظریه انقلابی و وجه تمایز آن با تمامی مکاتب بشری، در مبانی فکری است. یکی از این وجوه تمایز این است که مبنای نظریه نظام انقلابی بر اساس مبانی ارزشی، دینی و اعتقادی دین مبین اسلام و مکتب حقه شیعی است. در این راستا با تأسی از قیام ابا عبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) طی فرایندی پرفرازونشیب، منجر به ایجاد تمدن نوین اسلامی شده و می‌تواند مقدمات طلوع خورشید ولایت عظمی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را فراهم نمایند. مبنای اندیشه‌ای و فکری نظریه انقلابی مبتنی بر حاکمیت فقیه عادل جامع‌الشرایط است که ولایت و زعامت جامعه اسلامی را به دست دارد؛ در این راستا، عدالت مبنای فکری این نظریه است و باید در تمامی ساختارها، فرایندها و رویه‌ها مشهود باشد؛ زیرا دوام و قوام این نظریه به عدالت وابسته است.

ویژگی‌های فکری نظام انقلابی:

- تعهد داشتن به آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی: نکته‌ی حائز اهمیت این‌که بعد از گذشت زمان نباید از آرمان‌های نظام فاصله گرفت.
- انقلاب اسلامی پدیده‌ای پویا، زنده و با اراده، دارای رویش است که دائماً در حال تولید گفتمان بشری است.
- مبتنی بر ایمان، معنویت و اخلاق است، معنویت اخلاقیات و خلیقیات حرف اول را می‌زند.
- نباید تفکر انقلاب اسلامی دچار رکود و خموشی گردد.

ب) مدیریت جهادی

یکی از شاخص‌های مهم نظام انقلابی و میراث ارزشمند انقلاب اسلامی، مدیریت جهادی است و مدیریت جهادی ناظر بر حوزه مدیریت در جامعه اسلامی است؛ در بیانیه گام دوم انقلاب شاخص‌های مهمی برای مسئولین و مدیران جهادی مطرح شده که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»، تکیه بر امکانات و توانمندی‌های داخلی و بومی، تلاش و جهاد در راه خدا، اخلاص، کارآمدی، پرانگیزه و دارای نشاط انقلابی بودن، خردمندی، دارای زهد انقلابی و ساده‌زیستی، شجاعت، حکمت و...

در این بین، جوانان به‌عنوان آینده‌سازان کشور مورد توجه ویژه مقام معظم رهبری در بیانیه قرار گرفته‌اند به طوری که مسئولیت و رسالت اصلی در بیانیه، بر عهده مدیران نسل جوان انقلابی است، در حوزه مدیریت جهادی، جوانان به عنوان محور و هسته مرکزی نقش‌آفرینی و کنشگری در گام دوم انقلاب مطرح هستند که ایجاد تمدن نوین اسلامی با حضور و نقش‌آفرینی آن‌ها انجام می‌شود. در حوزه مدیریت جهادی از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب ^(مدظله‌العالی) جوانان باید با همت و هوشیاری، با استفاده از عزم، اراده و انگیزه‌ی بالا ابتکار عمل را به دست بگیرند.

مدیران جهادی می‌بایست با نگاه انقلابی و عمل جهادی و با استفاده از ظرفیت‌های بی‌نظیر طبیعی، انسانی و با بهره‌گیری از نیروی انسانی مستعد و کارآمد به خلق پیشرفت‌های علمی، فنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... پردازند، یکی از کارکردهای مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم، ایجاد روحیه، انگیزه و خودباوری در پیشرفت و دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

در نظریه نظام انقلابی، مدیریت جهادی در حوزه اقتصادی در قالب اقتصاد مقاومتی تجلی پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی دارای سرمایه عظیم جوانان با روحیه‌ی انقلابی و تحصیلات عالی و سرمایه‌های بسیار زیاد است که بهره‌گیری از این ظرفیت‌های عظیم نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و طولانی‌مدت برای بهره‌برداری بهینه از این سرمایه‌های بی‌نظیر می‌باشد. مدیریت جهادی در واقع وجه تمایز ساختار مدیریتی بین مدیریت در نظام انقلابی و مدیریت در سیستم بوروکراتیک است.

«انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و صنعتی و... اشتغال

دارند این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ج) مردم

علیرغم گذشت بیش از چهاردهه از عمر با برکت نظام اسلامی، همواره مردم و نقش آنان در شکل‌گیری و تداوم انقلاب دارای نقش اساسی و مبنایی بوده است. این نقش به حدی مهم و تعیین‌کننده است که امامین انقلاب اسلامی بارها به آن اشاره کرده و انقلاب اسلامی را بدون حضور و پشتیبانی مردم و نقش‌آفرینی آنان، بی‌مفهوم می‌دانند. حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله) تداوم مشروعیت نظام را مبتنی بر مردم و حضور آنان در صحنه‌های انقلاب اسلامی می‌دانند. به همین دلیل حضرت امام خمینی (رحمه الله) پس از تأسیس جمهوری اسلامی، نظام مردم‌سالاری دینی را بنیان گذاشتند.

در مردم‌سالاری دینی که تبلور عینی آن در قانون اساسی می‌باشد، تمام افراد و نهادها منتخب مردم هستند تمامی مسئولین از رهبر، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، نمایندگان خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا و تمامی نهادها به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند. دلیل تأکید رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) به لزوم مشارکت گسترده در انتخابات این است که انتخابات در جمهوری اسلامی نماد و تبلور عینی مردم‌سالاری دینی است.

بی‌شک در گام اول انقلاب، حضور مردم در صحنه‌های مختلف، موجب خنثی شدن توطئه‌های مختلف دشمنان شده است. در گام دوم انقلاب نیز حضور، حمایت و پشتیبانی مردم در صحنه‌های مختلف موجب تداوم و بقاء نظام اسلامی خواهد بود. معظم‌له در بیانیه گام دوم به نقش مردم در تبدیل حکومت سلطنتی به حکومت مردم‌سالاری دینی اشاره دارند و نقش مردم را این‌گونه تفسیر می‌فرمایند:

«مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها، فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از

انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمیوندهای اجتماعی، مشتاقانه شرکت می‌کنند» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

د) ساختار

در بیانیه گام دوم، ساختار نظام انقلابی با نظام ارزشی جامعه رابطه تنگاتنگ و غیرقابل تفکیک دارد؛ به این معنا که لازمه تشکیل تمدن نوین اسلامی و مقدمه‌سازی برای ظهور خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)، ایجاد ساختار انقلابی است. بدون شک برای پیاده کردن و عملیاتی کردن نظریه‌ها نیازمند ساختار متناسب با چهارچوب نظری محکم و متقن هستیم. با توجه به اینکه مبنا و اساس نظام انقلابی را ارزش‌ها و نظام ارزشی حاکم بر آن تشکیل می‌دهد لذا ساختار نیز باید متناسب با ارزش‌ها باشد.

بنابراین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید نهادها و ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... متناسب با نظام انقلابی شکل گرفته و تمامی فرایندها و رویه‌ها و خط‌مشی‌ها باید دارای انسجام و نظام وارگی باشند.

این ساختار باید مبتنی بر گفتمان اصیل باشد که برگرفته از تعالیم وحی‌بخش اسلامی است و در این راستا گفتمان‌سازی نقش مهمی در الگو شدن دارد. گفتمان‌سازی مفهوم و معرفتی است که در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر می‌شود و موردپذیرش عموم قرار می‌گیرد.

نقش و جایگاه ساختار در انقلاب اسلامی

در رابطه با نقش و جایگاه ساختار در انقلاب اسلامی باید به چند نکته اشاره شود:

الف) تدوین ساختار جمهوری اسلامی توسط بنیان‌گذار فقید انقلاب و تبیین و تشریح نظریه - انقلابی و تجربیات کسب‌شده در بیش از چهار دهه اخیر نشان از ایجاد ساختار انقلابی متناسب با نظریه انقلاب اسلامی است.

«انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی (ره) به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ب) جمهوری اسلامی از یک طرف در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو متحجر و فاقد احساس و ادراک، نیست اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است.

ج) اساس جمهوری اسلامی بر مبنای عدالت است و تمامی ساختارها و چارچوب‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد چراکه هدف بعثت پیامبران اقامه عدل و قسط در جامعه بوده است.

د) یکی از رموز پویایی و سرزندگی انقلاب اسلامی در طی چهار دهه اخیر این است که: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظر پذیر و اهل انفعال نیست به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

بنابراین رهبر حکیم و فرزانه، انقلاب اسلامی را با نگاه ارگانیکی، مانند بدن انسان فرض می‌کند که در صورتی که بخشی از آن دچار خطا و کاستی و نارسایی شود به سرعت مانند سلول‌های بدن، قسمت فاسد را ترمیم نموده و خود را اصلاح می‌نماید اما چهارچوب و قواره و اساس خود را حفظ می‌نماید.

۴. ارتباط نظام انقلابی با ساختار جامعه مهدوی

پیش‌فرض سخن گفتن از نظام انقلابی و ساختار جامعه مهدوی، باور به اثرگذاری آموزه‌های دینی در تمدن است که در دو ساحت خرد و کلان قابل‌تصور است. در ساحت کلان، بنیان‌های اندیشه‌ای تمدن بر اساس آموزه‌های دینی و روح حاکم بر تمدن و جهت‌گیری اصلی بر لایه‌ها و اجزاء شکل‌گیری تمدن بسیار قابل‌اعتنا است. لذا با این نگاه آموزه‌های دینی را می‌توان در سه دسته تقسیم نمود: دسته اول آموزه‌های ناظر به انسان به مثابه یک فرد، که شامل گزاره‌های وصفی (هست و نیست‌ها) و احکام (بایدها و نبایدها) در حوزه هویت فردی مستقل انسانی و رابطه آن با

خدا بیان می‌گردد. دسته دوم؛ آموزه‌های ناظر به فرد به‌مثابه یک عضو جامعه که شامل مسئولیت‌پذیری‌های اجتماعی و پاره‌ای از وظایف دینی برای یک انسان مستقل از دیگری تقسیم‌شده و دسته سوم که شامل آموزه‌های معطوف به جامعه به هویت جمعی انسان‌ها و کلیات جامعه انسانی و مرتبط با ساختارهای اجتماعی و نهادها تقسیم‌شده و تحقق بیرونی با مفهوم حکومت و سازمان دارد (رشاد، ۱۳۸۳، صص ۱۳ - ۳۶) در این پژوهش دسته سوم مدنظر ما می‌باشد.

باتوجه به این مقدمه و در شاخصه‌ی مهم ساختار در نظام انقلابی، توجه به اثرپذیری اهمیت پیدا می‌کند. با فرض حرکت نظام انقلابی به سمت تمدن نوین اسلامی (زرین‌کوب، ۱۳۸۲) نقش ساختار در این رویارویی تمدنی به‌عنوان کلان جامعه مهدوی مهم است. نقش آموزه‌های مهدویت در تمدن نوین اسلامی یعنی حرکت روبه‌جلو در مقابل الگوی تمدنی غرب با معیار قرآن و بر مبنای اسلام و در مسیر داشتن مدل‌های تمدنی است.

پس در نگاه کلی، جایگاه نظام انقلابی در ساختار کلان جامعه مهدوی جایگاه ترسیم آینده است؛ یعنی ترسیم شاخص‌های چهارگانه نظام انقلابی (مردم، فکر، ساختار و مدیریت جهادی) و تعیین نقش و جایگاه اثرگذاری بر شاخص‌های تمدنی.

در این زمینه بازاندیشی در مطالعات تمدن نوین اسلامی بر مبنای اندیشه رهبری معظم انقلاب و دست‌یابی به آرمان‌های تجلی‌یافته آموزه مهدویت در چشم‌انداز تمدنی که در گرو هم‌فکری و هم‌افزایی سطوح مختلف افراد یک جامعه در ساختار نظام انقلابی و تشخیص برنامه‌های خرد و کلان در سطوح ملی و تمدنی در لایه‌های مختلف حاکمیت توسط مردم است و نتیجه آن نزدیک کردن مبانی افراد مؤثر در ساختار و به‌تبع آن مردم به مبانی تمدن نوین اسلامی می‌گردد (الویری، ۱۳۹۲، ص ۹).

نباید فراموش کرد که ماهیت تمدنی یک هویت یکپارچه است، لذا نمی‌توان در مباحث تمدنی از اهداف تمدنی سخن گفت اما در روش با اهداف غیردینی و غیر مطابق با ولی فقیه عمل نمود.

۴-۱. تعیین نقش شاخص‌های چهارگانه نظام انقلابی

همان‌طور که اعتقاد راسخ رهبر حکیم جمهوری اسلامی بر اصل ولایت بوده و آگاهی از حدود و اختیارات آن را به‌واسطه‌ی ولایتمداری مردم، شرط تشکیل حکومت ولایی در عصر غیبت می‌دانستند (امام خمینی، ج ۲۰، ص ۴۵۹) بسط این نظریه در زمان ظهور و در آرمان‌شهر مهدوی

نیز نقش دوطرفه مردم و رهبری را در شکل‌گیری ساختار دولت مهدوی به‌عنوان مهم‌ترین عامل نشان می‌دهد. جمع بین مشروعیت شرعی و مقبولیت مردمی، نقطه اوج نگرش امام خمینی^(ره) است که نیاز روشنگری در این عرصه است و کسانی که نتوانستند این دو اصل را بر مبنای هماهنگی ببینند، میزان نقش‌پذیری بین مردم و یا شارع مقدس را دستخوش تغییرات اساسی قرار داده‌اند (امام خمینی، ج ۸، ص ۱۷۳).

۴-۱-۱. نقش مردم در ساختار کلان جامعه مهدوی

پرداختن به نقش مردم به‌عنوان مهم‌ترین پایه شکل‌گیری حکومت و بقاء آن در دیدگاه رهبر کبیر انقلاب نشان‌دهنده نگاه ویژه به این پایه استوار ساختارهاست. رهبری معظم انقلاب نیز مردم را عظیم‌ترین پشتوانه و سرمایه برای نیل به اهداف بلند انقلاب اسلامی می‌داند؛ از این رو، ارائه جایگاه واقعی مردم در قالب ساختار کلان جامعه مهدوی به‌عنوان سهام‌داران مشارکت در جامعه اهمیت ویژه دارد.

اعتبار رأی مردم در چهارچوب قوانین اسلامی از جمله اولین موارد ارتباط نظام انقلابی با ساختار جامعه مهدوی است که نتیجه پذیرش خواست و رأی مردم و اصل برتری که برخاسته از جهان‌بینی توحیدی و خدا‌باورانه است و بر همین اساس مردم در سرنوشت خویش در پناه قوانین، حاکم و ناظر هستند.

دومین مورد از این ارتباط، نقش مردم در مشروعیت حکومت دینی است که مبنای مشروعیت نظام سیاسی و مقبولیت عمومی یکی است اما در نظام دینی نسبت مشروعیت و مقبولیت برحسب این‌که چه نظری در مورد منشأ مشروعیت ارائه شود، متفاوت خواهد بود ولی در همین مورد نیز نباید از نقش مردم غافل شد.

در کنار موارد فوق نباید از نقش مردم و جلوه‌های حضور مردمی در حکومت مهدوی تغافل صورت گیرد. همان‌طور که مردم در زمان غیبت نیز نقش اساسی در تعیین نظام سیاسی کشور داشتند و حتی در صحنه قانونگذاری نیز حاضر شده و در انتخاب رهبری در زمان غیبت اثرگذار بوده‌اند و به‌عنوان اصلی‌ترین پایه نظارتی نقش مهم و اساسی دارند؛ در جامعه مهدوی نیز نقش اساسی در ساختارها و نظارت بر ارکان مهم ساختاری در آن جامعه بر عهده مردم نهاده شده است.

عمده وظایف مردم در ساختار کلان جامعه مهدوی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب

۱. تلاش برای حاکمیت اسلام

«انتظار واقعی مستلزم زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی برای ظهور عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی که با حاکمیت اسلام و قرآن حاصل می‌شود. در جامعه‌ی منتظر قوانین و مقررات حاکم بر جامعه باید روزبه‌روز از لحاظ ظاهر و محتوا به اسلام نزدیک‌تر بشود» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۱۰/۳۰).

۲. پذیرش عدالت و برقراری آن

«از آنجاکه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مظهر عدل پروردگار است و انتظار ایجاب می‌کند که شخص منتظر خود را نزدیک کند به آنچه منتظر از او توقع دارد، لذا وظیفه دارد که اولاً خودش عدل و حق را پذیرا باشد و ثانیاً تلاش کند تا عدالت را در جامعه حکم فرما کند، زیرا عدالت در بنای یک جامعه از همه چیز مهم‌تر است» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲).

۳. کسب آمادگی مادی و معنوی و رفع نواقص اجتماعی

کسب آمادگی از لوازم انتظار فرج است، نمونه‌ای از این آمادگی‌ها عبارت‌اند از:

الف) «آمادگی عقلی و فهم بشر نسبت به معنای عدل» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۵/۰۴/۲۹)
ب) «آمادگی معنوی، ایمانی و اخلاقی و پیوند قلبی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مستلزم

اصلاح نفس است؛

ج) پیوند دینی و عاطفی با مؤمنین؛

د) آمادگی برای مبارزه و رویارویی با زورگویان؛

ه) آمادگی جسمی؛

و) تقویت عزم و اراده؛

ز) تقویت بصیرت؛

ح) تقویت معرفت عمومی؛

ط) ایجاد اصلاح عمومی؛

ی) ایجاد رفاه عمومی؛

ک) ایجاد امنیت عمومی و تلاش به قدر توان برای برطرف کردن هر نقص و کمبودی که در جامعه وجود دارد» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

۴. مجاهدت و مقاومت

با توجه به امتحانات و ابتلائات پیش از ظهور که در روایات نیز بر آن تأکید شده است، ایستادگی و مقاومت در میدان‌های این ابتلائات و امتحانات، از وظایف منتظران ظهور است (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۸/۹).

به تعبیری باید همواره در حال جهاد و مقاومت بود. سطوح مبارزه هم مختلف است: مبارزه‌ی اصغر و مجاهدت‌های میدانی با طاغوت‌های بیرونی، مبارزه‌ی کبیر و عدم تبعیت از کفار و دشمنان اسلام، مبارزه‌ی اکبر و مبارزه با طاغوت درونی.

۴-۱-۲. نقش تفکر در ساختار کلان جامعه مهدوی

یکی دیگر از موارد ارتباط نظام انقلابی و جامعه مهدوی، بحث تفکر می‌باشد. اگر نگاهی به پدیده انقلاب اسلامی و تعمیق ویژه نسبت به تحولات فکری و توسعه اندیشه‌ای (دینی، اجتماعی، سیاسی) داشته باشیم متوجه می‌شویم که بارزترین اثر در حوزه اندیشه دینی، تغییر رویکرد فکری نسبت به اندیشه مهدویت به‌عنوان یک آموزه بزرگ درس‌آموز بوده که در دوره حیات سیاسی - اجتماعی شیعه نقش مهم داشته و هرگاه این نقش اساسی کم‌رنگ و یا دچار تحریف و انحراف می‌شده؛ عزلت‌نشینی را دربرداشته؛ اما در روند انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطف نظریه‌پردازی اندیشمندان اسلام‌شناس گردیده و بازاندیشی در نظریات مهم نتیجه بروز تحولات اجتماعی در هر زمان گذشته است. در جامعه مهدوی نیز این تفکر باعث پویایی همراه و همگام با سازوکارهای منسجم و هماهنگ می‌باشد و عینیت یافتن تحول‌طلبی بر پایه اعتقاد و التزام توده مردم را در بردارد.

۴-۱-۳. نقش مدیریت جهادی در ساختار کلان جامعه مهدوی

هدفمندی، تحرک، پویایی و آگاهی، مهم‌ترین شاخصه‌های مدیریت جهادی است که در

ساختار کلان جامعه مهدوی باید مورد توجه قرار گیرد؛ تفاوت اصلی مدیریت جهادی با سایر نظام‌های مدیریت، پیش‌فرض‌ها و مبانی فکری مقتبس از مدیریت اسلامی است که در کنار دین‌محوری، ولایتمداری، ایثار، مردم‌گرایی، خودباوری، نوآوری، مأموریت‌پذیری و... باعث رشد ابعاد مدیریت (بعد ساختاری، رفتاری، زمینه‌ای) شده است (کریم زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷).

مؤلفه‌های بعد ساختاری عبارت‌اند از: مدیریت برای خدا، مدیریت ولایی، انعطاف‌پذیری ساختار، تشکیلات مناسب با شرایط و... از جمله مؤلفه‌های بعد رفتاری نیز می‌توان به: خودباوری، پرکاری، تحول‌آفرینی، پویایی، سخت‌کوشی، سرعت عمل در کارها و... نام برد. مؤلفه‌های بعد زمینه‌ای نیز شامل: مشارکت‌پذیری، قناعت، نهادینه کردن اخلاق و ارزش‌های دینی در محیط کار و اهمیت دادن به بیت‌المال و... می‌گردد (مبینی دهکردی و دیگران، ۱۳۹۳، صص ۵۷-۷۵).

بنا به تعبیر مقام معظم رهبری «اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خبثت‌آمیز قدرت‌های جهانی، قابل‌حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳).

انعطاف‌پذیری ساختار و تشکیلات مناسب با شرایط، مدیریت داوطلبانه، تحول‌آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر در مأموریت‌ها، خودباوری، توجه به نیروی انسانی به‌عنوان یک سرمایه عظیم، مدیریت مشارکت‌پذیر، نهادینه کردن اخلاق و ارزش‌های دینی، مدیریت قناعتی با اهمیت دادن به بیت‌المال از نکات بارز مدیریت جهادی در ساختار کلان جامعه مهدوی می‌باشد.

۴-۱-۴. نقش ساختار در جامعه مهدوی

نقش ساختار نیز به‌عنوان پایه و اساس جامعه مهدوی از اهمیت وافری برخوردار است. اداره سرزمینی به گستردگی جهان کاری بس دشوار است که فقط این مهم با داشتن سازوکار مشخص همراه با رهبری امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) امکان‌پذیر است. مراتب اجتماعی و سیاسی در حکومت اسلامی پس از امامت و رهبری، نهادهای مدنی هستند که در زمان نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) تشکیل شده از استانداران، قضات، والیان، فرمانداران، فرماندهان، خزانه‌داران، مأموران، فقها و... بوده و به نظر می‌رسد این نهادها به اقتضای زمان و مکان در دوره‌های مختلف تغییرات مشخص

داشته و بنابر شرایط و نیازها؛ سازمان‌ها و یا تشکیلات مختلف شکل گرفته است.

این احتمال وجود دارد که در کلان جامعه مهدوی نیز تشکیلات و سازمان‌هایی به جهت تدبیر در امور و ایجاد فعالیت و خدمت به مردم و رفع حوائج و نیازهای آنان شکل گیرد اما در وسعت، طول و عرض و مدل بروکراسی، تغییرات اساسی و مهمی ایجاد شود. همان‌طور که در بیانیه گام دوم، رهبری معظم انقلاب (حفظه الله) فرمودند: «انقلاب اسلامی آماده تصحیح خطاهای خویش است و چه‌بسا در مدل اداره حکومت بر مبنای ساختارها هر زمان که ناکارآمدی ساختاری احساس گردد تغییرات اساسی صورت می‌پذیرد» (متن بیانیه گام دوم انقلاب). به نظر می‌رسد در جامعه مهدوی با التفات به فلسفه وجودی سازمان‌ها و تشکیلات که رفع حوائج مردم می‌باشد و این مهم در پرتو حقوق عامه صورت می‌پذیرد چه‌بسا کنترل افراد و جلوگیری از تجاوز و دست‌اندازی در حقوق مردم، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... کنترل‌شده و تغییراتی در مدل حکمرانی شکل گیرد. زمینه‌سازی این مهم نیز باید در گام دوم انقلاب صورت پذیرد. ادغام بسیاری از نهادها، سازمان‌های عریض و طویل، کم کردن هزینه‌های جاری، عدم مصلحت‌اندیشی و مسامحه در رفتارها و بروکراسی‌ها، رعایت ضوابط، همه‌وهمه با تغییر و اصلاح ساختار صورت می‌پذیرد.

برای رسیدن به این مهم نیز باید جامعه آمادگی لازم در این بستر را داشته باشد. آماده‌سازی جامعه و ترسیم و تشبیه‌نمایی از دور و نزدیک، خودباوری و اعتماد، کسب موقعیت برتر و اقتدار-آفرین، شکل‌دهی به نظام تربیتی و آموزش محور، مهندسی فرهنگی و... همه در بستر عدالت-محوری راه رسیدن به تغییرات اصولی در ساختارهاست.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ...؛ هنگامی که قائم اهل بیت (عجل الله تعالی فرجه) قیام کند اموال را به صورت مساوی تقسیم می‌نماید و عدالت را در بین مردم برقرار می‌سازد.» یعنی امام زمان (عج) اصل مساوات و برابری را در حکومت مهدوی برپا می‌کنند تا همگان از حقوق یکسان برخوردار باشند (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۰).

بنابراین نقش مدیریت ارزشی بسیار مهم است. برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل و در نتیجه هدایت و رهبری، اساس تغییرات صورت پذیرفته در عرصه‌ی مدیریت است.

۵. راهکار عملی به جهت رسیدن به ساختار متناسب

- بازسازی و بازنگری به هنگام و مستمر به جهت افزایش کارآمدی و بهره‌وری مؤثر، رفع موانع، تبیین و استقرار گردش کاری هوشمند؛
- نگاه دقیق به ساختار و حرکت به سمت حل مسئله، چابکی و طراحی و ایجاد طرح‌های جایگزین در کنار طرح‌های مصوب؛
- تدوین اسناد علمی پیشرفت و توسعه ساختار و ایجاد کارگروه یا کمیته اقدام جهادی؛
- اجرای برنامه‌های اثربخش در جهت رسیدن به ساختار متناسب؛ با گروه‌بندی فعالیت‌ها و تخصص‌های مرتبط، طراحی و تدوین نظام توسعه کارشناسان و محققین (مدیران جهادی) در کنار توانمندسازی ساختار؛
- کم‌حجم نمودن ساختارهای اجرایی، در کنار بسترسازی به جهت رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی؛
- حرکت به سمت جنبش نرم‌افزاری بر مبنای سند چشم‌انداز و مبنا قرار دادن عدالت بر اساس اصل شفافیت در ساختارهای جمهوری اسلامی؛
- اتخاذ راهبرد واقع‌گرایانه و حذف اشرافی‌گری و کم نمودن فاصله طبقاتی؛

نتیجه‌گیری

پدیده‌ی انتظار فرج در دوران غیبت، پشتوانه‌ای برای برپایی حکومت اسلامی و ایجاد آمادگی برای رسیدن به دوران ظهور است. این مفهوم در منظر رهبر معظم انقلاب به‌عنوان یک مفهوم فعال و سازنده است که جامعه اسلامی را به سمت ایجاد عدالت و طرح‌ریزی تمدن اسلامی فرامی‌خواند.

به همین منظور در راستای اهداف گام دوم انقلاب، رهبری معظم در بیانیه گام دوم نسبت به تعیین مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و دستیابی به کلان جامعه مهدوی و اصلاح مسیر، نظریه «نظام انقلابی» را مطرح ساختند.

باور به مسئله انتظار به‌عنوان یک انگیزه مؤثر به جهت ایجاد تحرک در جامعه شیعی؛ برای مقابله با مشکلات و موانع، نه تنها خوف و حزنی نداشته بلکه زمینه‌ساز مقدمات نهضت امام قائم

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. از همین بستر، نظام انقلابی با شاخص‌های خود (مردم، فکر، ساختار و مدیریت جهادی) می‌تواند در مسیر پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه مهدوی گام بردارد.

رهبری معظم انقلاب، تشکیل حکومت ارزش‌های اسلامی و تشکیل تمدن نوین اسلامی را ذی‌المقدمه واجبی دانستند که نیاز به مقدمات ضروری دارد. تأثیر بر ذهنیت مردم در کنار سنت الهی در مسیر برقراری عدالت، خود به‌عنوان مقدمه‌ی تشکیل تمدن نوین اسلامی است و این مهم (ذی‌المقدمه)، خود نیز نقشی طریقی در مسیر کلان جامعه مهدوی دارد و در این راه باید نقش شاخص‌های چهارگانه نظام انقلابی مهم شمرده شود و در راه اعتلا به آن قدم برداشت.

به‌عنوان پیشنهاد، نیز با اجرای برنامه‌های اثربخش در جهت رسیدن به ساختار متناسب و تغییرات ساختاری و به‌روزرسانی و کم‌حجم نمودن ساختارهای اجرایی در کشور، در کنار بستر-سازی به جهت رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی و حرکت به سمت جنبش نرم‌افزاری بر مبنای سند چشم‌انداز و مبنا قراردادن عدالت بر اساس اصل شفافیت در ساختارهای جمهوری اسلامی و اتخاذ راهبرد واقع‌گرایانه و حذف اشرافی‌گری و کم نمودن فاصله طبقاتی، می‌توان در جهت نیل به اهداف جامعه مهدوی بر مبنای تغییر ساختار پیش‌رفت.

تشکر و قدرانی:

ابراز نشده است.

تضاد منافع:

نویسنده تضاد منافی ابراز نکرده است.

منابع

- قرآن کریم
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در www.khamenei.ir
- ابراهیمی، م.، صدیقی، ح.، ولی پور، ا.، شه گلی، م.، مهمان نواز، ع.، شجاعی، م.، اسماعیلی، م.، و الهی راد، ص. (۱۴۰۰)، گامی به سوی تعالی معنوی، تهران، انتشارات دفاع.

- اداره کل پژوهش و آموزش سیما. (۱۳۸۶)، *تجلی پیام در افق رسانه ملی: برگرفته از اندیشه‌های استاد شهید مطهری*، تهران، اداره کل پژوهش و آموزش سیما.
- اربلی، ع. (۱۴۲۱)، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ترجمه، حسینی اشکوری، ا.، قم، انتشارات رضی.
- امینی، ج.، ممینی، م. (۱۳۹۸)، *تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸(۳۰)، ۲۳-۴۸.
https://www.roir.ir/article_104606.html
- اندیشکده زمانه (۱۳۹۷)، *گام اول انقلاب نقطه عطفی برای بازیابی اندیشه‌ای در دولت اسلامی*، اندیشکده زمانه، مجموعه گفتارها، ۲.
- انوری، ح. (۱۳۹۳)، *فرهنگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
- پورسید آقائی، م. (۱۳۹۰)، *راهبردهای فرهنگی مهدوی برای جامعه و دول زمینه‌ساز، بر اساس مدل WOT*، فصلنامه علمی و پژوهشی مشرق موعود، ۴(۱۵)، ۵-۳۴.
<https://sid.ir/paper/150992/fa>
- جان احمدی، ف. (۱۳۸۸)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: نشر معارف.
- جعفری، م. (۱۳۷۳)، *فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو*، جلد ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۷)، *ولایت فقیه (ولایت فقاقت و عدالت)*، قم: نشر اسراء.
- حائری پور، م. (۱۳۹۴)، *شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز ظهور، مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، جلد اول، مؤسسه آینده روشن. <http://noo.rs/RRPgP>
- حسین زاده، ح.، محمد زاده، ع.، رازانسی، ا.، و مطلبی، م. (۱۴۰۰)، *شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های نظام انقلابی در اندیشه امام خامنه‌ای با استفاده از رویکرد هرمنوتیک زمینه‌گرا و روش دلفی*، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۷)، ۱۵۱-۱۷۱.
https://www.roir.ir/article_135657.html
- خمینی، ر. (۱۳۷۴)، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
- رشاد، ع. (۱۳۸۳)، *فرجام قدسی تاریخ*، تهران، فصلنامه قیاسات، شماره ۳۳.
- رهدار، ا.، بابایی، ح.، خراسانی، ر.، و کرمی‌قهی، م. (۱۳۸۸)، *جستاری نظری در باب تمدن*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.
- زرین کوب، ع. (۱۳۸۲)، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.

- سیلانی، ع. (۱۳۹۴)، نظام سیاسی مطلوب در فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری، فصلنامه معرفت، ۲۵(۲۲۵)، ۲۹-۴۶. <http://noo.rs/gkq5G>
- صالحی زاده، ع.، عباسپور، ا. (۱۴۰۲)، تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت ساز در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۶(۱۱)، ۲۸۳-۳۸۰. <https://doi.org/10.22070/nic.2023.16398.1189>
- عمید زنجانی، ع. (۱۳۷۶)، *گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عمید، ح. (۱۳۹۰)، *فرهنگ اصطلاحات عمید*، انتشارات امیرکبیر.
- عنایت، ح. (۱۳۷۱)، انقلاب اسلامی در ایران ۱۹۷۹: مذهب به‌عنوان ایدئولوژی سیاسی، ترجمه منتظر لطف، م.، *مجله فرهنگ و توسعه*، ۱(۳)، ۴۲-۵۱. <https://sid.ir/paper/442912/fa>
- غلامی، ر. (۱۳۹۶)، *درسگفتار فلسفه تمدن نوین اسلامی*، تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی، جلسه سوم: تعریف، مختصات و مراحل تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۶/۰۵/۰۳. <https://r-gholami.ir/?p=1775>
- فوزی، ی.، صنم زاده، م. (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، ۳(۹)، ۷-۴۰. <https://tarikh.maaref.ac.ir/article-1-1164-fa.html>
- کریم زاده، ط. (۱۳۹۳)، شاخصه‌های مدیریت جهادی از منظر مقام معظم رهبری، نشریه معارف، ۱۲(۱۰۷). <https://noo.rs/FZivh>
- کفیلی، ر.، بهروزی لک، غ. (۱۴۰۱)، نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت)، *نشریه مطالعات بیداری اسلامی*، ۲۳، ۷-۲۷. https://www.iabaj.ir/article_149679.html
- مبینی دهکردی، ع.، و کشتکارهرانی، م. (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر مدل سه‌شاخگی بر نوآوری اجتماعی، *فصلنامه مدیریت نوآوری*، ۳(۴)، ۵۷-۷۵. <http://noo.rs/jrWnJ>
- مجلسی، م. (۱۳۸۶)، *بحار الانوار*، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۵۲.
- معجیدی، م.، سبزی کریم‌آبادی، ی. (۱۴۰۱)، جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحسب، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۵(۹)، ۲۹-۵۲. <https://doi.org/10.22070/nic.2022.15582.1158>

- مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
- مصباح یزدی، م. (۱۳۷۲)، *آموزش فلسفه*، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، مؤسسه چاپ و فجر تهران.
- الویری، م. (۱۳۹۲)، «اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی»، *فصلنامه انتظار موعود*، ۱۳ (۴۲)، -۲۶.
<https://www.magiran.com/volume/91491>

References

- The Holy Quran.
- Statements of the Supreme Leader (Madazla Al-Aali); Collection of statements, accessible at www.khamenei.ir. [In Persian].
- Ebrahimi, M., Sediqi, H., Valipour, A., Shahgoli, M., Mehman Nawaz, A., Shujaei, M., Esmaili, M., and Elahi Rad, S. (1400), *a step towards spiritual excellence*, Tehran, Defense Publications. [In Persians].
- SIMA General Directorate of Research and Education (2006), *the manifestation of the message in the horizon of the national media: taken from the thoughts of Professor Shahid Motahari*, Tehran, SIMA General Directorate of Research and Education. [In Persian].
- Erbalı, A. (1421), *Kashf al-Ghamma fi Marafah Al-A'imah*, translated by Hosseini Ashkuri, A., Qom, Razi Publications. [In Persian].
- Amini, J., & Mambini, M. (2018), "Explaining the strategic concept of the revolutionary system theory in the Islamic Republic of Iran", *Islamic Revolution Research Quarterly*, 8(30), 23-48.
https://www.roir.ir/article_104606.html [In Persian].
- Zamane think tank (2017), "The first step of the revolution is a turning point for the recovery of an idea in the Islamic state", *Zamane think tank*, speech collection, number 2. [In Persian].
- Anvari, H. (2013), *Farhang Sokhon*. Tehran, Sokhon Publications. [In Persian].
- Pour Seyed Aghaei, M. (2013), "Mahdavi cultural strategies for society and countries, based on the SWOT model", *Mashreq Mououd Scientific and Research Quarterly*, 4(15), 34-5. <https://sid.ir/paper/150992/fa> [In Persian].
- Jan Ahmadi, F. (1388), *History of Islamic Culture and Civilization*, Tehran: Ma'arif Publications. [In Persian].

- Jafari, M. (1373), *Farhang Pirou, Farhang Poror*, Volume 6. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (2017), *Velayat Faqih (Province of Jurisprudence and Justice)*, Qom, Isra Publishing House. [In Persian].
- Haaripour, M. (2014), "Cultural indicators of the society that is the basis for the emergence", *Proceedings of the 6th International Conference on Mahdism Doctrine*, Volume 1, Aindeh Roshan Institute. <http://noo.rs/RRPgP> [In Persian].
- Hosseinzadeh, H. , Mohammadzadeh, A., Razani, A., & Matalabi, M. (1400), "Identification and Validation of Revolutionary System Indicators in Imam Khomeini's Thought Using Context-Oriented Hermeneutic Approach and Delphi Method", *Scientific Quarterly of Islamic Revolution Research*, 10(37), 151-171. https://www.roir.ir/article_135657.html [In Persian].
- Khomeini, R. (1374), *Imam Khomeini's Book*, Tehran, Institute for Preservation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian].
- Rashad, A. (1383), *Farjam Qudsi Tarikh*, Tehran, Qobsat, No. 33, [In Persian].
- Rahdar, A. Babaei, H., Khorasani, R., & Karmiqahi, M. (2008), *Theoretical research about civilization*. Islamic Science and Culture Research Institute. Tehran. [In Persian].
- Zarin Koob, A. (1382), *Karnameh Islam*, Tehran, Amir Kabir. [In Persian].
- Silani, A. (2014), "Desirable Political System in the Political Philosophy of the Supreme Leader", *Marafet Quarterly*, 25(225), 29-46. <http://noo.rs/gkq5G> [In Persian].
- Salehizadeh, A., & Abbaspour, E. (1402), "New Islamic civilization in the context of the state-building nation in the thought of the Supreme Leader of the Islamic Revolution", *two scientific chapters on the foundations of modern Islamic civilization*, 6(11), 283-380. <https://doi.org/10.22070/nic.2023.16398.1189> [In Persian].
- Amid Zanjani, A. (1376), *selection of the Islamic Revolution and its roots*, Farhang and Islamic Guidance Publications, Tehran. [In Persian].
- Amid, H. (1390), *Dictionary of Omid Terms*, Amirkabir Publications. [In Persian].
- Enayat, H. (1371), "Islamic Revolution in Iran 1979: Religion as a Political Ideology", translated by Montazer Lotf, M., *Culture and Development Magazine*, 1(3), 42-51. <https://sid.ir/paper/442912/fa> [In Persian].

- Gholami, R. (2016), *Lecture on the Philosophy of Modern Islamic Civilization*, Tehran: House of Thinkers of Human Sciences, Third Session: Definition, Coordinates and Stages of Islamic Twin Civilization, 05/03/2016 <https://r-gholami.ir/?p=1775> [In Persian].
- Fawzi, Y., & Sanamzadeh, M. (2013), "Islamic civilization from the perspective of Imam Khomeini (RA)", *scientific-research quarterly of the history and culture of Islamic civilization*,3(9),40-7. <https://tarikh.maaref.ac.ir/article-1-1164-fa.html> [In Persian].
- Karimzadeh, T. (2013), "Jihad management characteristics from the perspective of the Supreme Leader", *Maarif magazine*, 12(107). <https://noo.rs/FZivh> [In Persian].
- Kafili, R.,& Behrouzi Lak, G. (1401), "The role and position of Mahdwiit doctrines in achieving the goals of the declaration of the second step of the Islamic revolution (with an emphasis on the doctrine of justice)", *Islamic Awakening Studies*,23, 27-7. https://www.iabaj.ir/article_149679.html [In Persian].
- Mobini Dehkordi, A., & Keshtkarharani, M. (2013), "Investigating the impact of the three-pronged model on social innovation", *Innovation Management Quarterly*, 3(4),57-75. <http://noo.rs/jrWnJ> [In Persian].
- Majlisi, M. (1386), *Bihar Al-Anwar*, Tehran, Islamia Publications, vol.52, [In Persian].
- Majidi, M., & Sabzi Karimabadi,Y. (1401), "The position of middle circles in organizational governance and its role in civilization building, with a look at the category of calculation", *two scientific journals of studies on the foundations of modern Islamic civilization*, 15(9), 29-52. <https://doi.org/10.22070/nic.2022.15582.1158> [In Persian].
- Administration of Qom Theological Seminary (2013), *an introduction to free thinking and theorizing in religious ssciences*, Qom: Qom Theological Seminary Center Publications. [In Persian].
- Misbah Yazdi, M. (2012), *Teaching Philosophy*, Publisher: Islamic Propaganda Organization, Tehran Printing and Fajr Institute. [In Persian].
- Alwiri, M. (2012), "Mahdevi thought and modern Islamic civilization", *Intezar Mououd Quarterly*, 13(42), 26-7. <https://www.magiran.com/volume/91491> [In Persian].